



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۲-۶۹

بررسی علل حمله عراق به کویت

احسان یاری^۱، داود حاتمی^۲، حمیده حاتمی^۳، رضا حاتمی^۴

- ۱- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).
- ۲- دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا دفاع مقدس، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

Davoud.hatami@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

کشور عراق بعد از جنگ علیه ایران، از لحاظ اقتصادی در موقعیت نامطلوبی قرار گرفت. صدام‌حسین جهت سروسامان دادن به اوضاع آشفته اقتصادی کشور خود نیاز مبرم به پول داشت. لذا مجموعه درخواست‌هایی از کشورهای حوزه خلیج فارس کرد؛ مانند (کاهش تولید نفت و پابندی به سهمیه تعیین شده از طرف اوپک، بخشش طلب خود به عراق و دادن کمک‌های مالی جدید به عراق)، و اعلام کرد که اگر با این درخواست‌ها مخالفت شود دست به اقدامات انتقام‌جویانه خواهیم زد؛ لذا این عوامل و سابقه اختلافات مرزی و ادعاهای دیرین عراق نسبت به مالکیت کویت و چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد حمله به کشور کویت، باعث شد عراق در سحرگاه دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی (۱۱ مردادماه ۱۳۶۹)، به کشور کویت حمله کرده و این کشور را در مدت چند ساعت به اشغال خود درآورد.

هدف این تحقیق بررسی علت حمله‌ی عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی، می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تاریخی و توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج تحقیق: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رژیم بعث عراق به دلایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی (نظامی)، به کشور کویت حمله کرد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: با توجه به این‌که طول سواحل عراق در خلیج فارس بسیار کم می‌باشد و همین امر آزادی عمل و قدرت مانور را از عراق گرفته است. به همین دلیل عراق با تصرف کویت و جزایر مهم آن، به بیش از ۱۵۰ کیلومتر ساحل استراتژیک کویت در رأس خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کرد و مشکل کم بودن میزان دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس را از بین می‌برد؛ و از آنجاکه کویت یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت در جهان است و از نظر ذخایر اثبات‌شده نفت مقام سوم را در میان کشورهای جهان دارد؛ بنابراین، دستیابی عراق به کویت، درآمدهای عراق را به گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌داد. عراق با استفاده از منابع غنی نفت و نیز دسترسی به ذخایر ارزی و سرمایه‌های کویت «در زمان تصرف کویت، جمع دارایی‌های خارجی کویت ۱۵۰ میلیارد دلار بود که ۱۰۰ میلیارد آن متعلق به بخش دولتی و ۵۰ میلیارد به بخش خصوصی تعلق داشت». مشکلات اقتصادی‌اش را کاهش می‌داد و ضمناً اعتبارات لازم را برای بازسازی جنگی عراق فراهم می‌کرد؛ بنابراین کشور عراق با تصرف کویت در کوتاه‌مدت به اهداف خود دست یافت.

کلمات کلیدی: جنگ، اقتصاد، اختلافات اراضی، عراق، کویت.

مقدمه و بیان مسئله

از زمان تأسیس کشور عراق حاکمان این کشور همواره یک سیاست توسعه‌طلبانه را به زیان کشورهای همسایه خود دنبال کرده‌اند. کم بودن میزان دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به نسبت گستره خاک و مرزهای آبی همسایگانش همواره رهبران عراق را به توسعه‌طلبی در مرزهای آبی علیه همسایگان تشویق کرده است. برای عراق، خوزستان ایران و کویت همواره دو هدف مهم و استراتژیک توسعه‌طلبانه بوده‌اند. اختلاف مرزی رهبران عراق در مرزهای شرقی خود با ایران بر سر حاکمیت مطلق بر اروندرود و چشم طمع آن‌ها به استان زرخیز و غنی خوزستان در نهایت سبب حمله‌ی آن‌ها به خاک ایران شد. بخش دیگر سیاست‌های توسعه‌طلبانه عراق متوجه کویت بوده است. رهبران عراق همواره کویت را قسمتی از خاک عراق می‌دانستند؛ به‌گونه‌ای که دست‌اندازی آن‌ها به خاک کویت مکرر اتفاق افتاده است؛ اما آن چیزی که شرایط را برای حمله نظامی عراق به کویت فراهم کرد، پیامدهای اقتصادی جنگ تحمیلی علیه ایران برای دولت عراق بود که آن را تا مرز ورشکستگی پیش برده بود. بنابراین پس از ناکامی در تجزیه خوزستان، طبیعی بود که عراق به‌سوی دستیابی به هدف دوم خود یعنی کویت پیش رود (سید و زارع، ۱۳۹۵: ۱). عراق پس از حمله‌ی تجاوزکارانه و بی‌ثمر خود به ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی، که خلاف تصور حکومت صدام هشت سال طول کشید؛ این کشور را از لحاظ اقتصادی در موقعیت نامطلوبی قرارداد. در آن زمان صدام حسین معتقد بود جنگ هشت‌ساله با ایران به سود کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس بوده درحالی‌که برای عراق نتیجه‌ای جز ویرانی و فروپاشی اقتصادی نداشته است. به همین دلیل جهت سروسامان دادن به اوضاع آشفته اقتصادی کشور خود مجموعه درخواست‌هایی از کشورهای عربی داشت؛ از جمله کمک ۱۰ میلیارد دلاری به عراق و لغو پرداخت بدهی ۳۰ میلیاردی این کشور به کشورهای کویت، امارات متحده عربی و عربستان سعودی که در جریان جنگ با ایران نسبت به آن توافق شده بود شد (سالینجر و لوران، ۱۳۷۰: ۴۲)، و کاهش تولید نفت کشورهای خلیج فارس باهدف افزایش قیمت نفت. از آنجاکه کشورهای عربی و از جمله کویت با درخواست‌های صدام حسین مخالفت کردند؛ ارتش عراق در سحرگاه دوم اوت ۱۹۹۰ از مرزهای کویت عبور کرد و این کشور را در مدت چند ساعت به اشغال خود درآورد (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۲۵). سؤال اساسی مقاله این است که چه عواملی باعث تهاجم عراق به کشور کویت شد. در این مقاله ما بر آنیم که با استفاده از این فرضیه‌ها که بین حمله عراق به کویت و مشکلات شدید اقتصادی عراق و اختلافات اراضی دیرینه با کویت و چراغ سبز آمریکا به عراق برای حمله به کشور کویت رابطه مستقیم وجود داشته است؛ به سؤال فوق پاسخ دهیم.

- اهداف تحقیق:

-هدف اصلی تحقیق:

- تعیین اهداف سیاسی حمله‌ی رژیم صدام حسین به کشور کویت.
- تعیین اهداف اقتصادی حمله‌ی رژیم صدام حسین به کشور کویت.
- تعیین اهداف امنیتی حمله‌ی رژیم صدام حسین به کشور کویت.

-اهداف فرعی تحقیق:

- نقش اختلاف اراضی دو کشور و ادعای دیرین مالکیت عراق بر کویت (تنگناهای ژئوپلیتیکی)، در حمله‌ی عراق به کویت.
- نقش بحران اقتصادی و بدهی‌های خارجی کشور عراق در حمله‌ی عراق به کشور کویت .
- نقش کشور آمریکا در شکل‌گیری جنگ بین کشورهای عراق و کویت.

- سؤال‌های تحقیق:

-سؤال اصلی تحقیق:

عامل اصلی تهاجم عراق به کویت چه بوده است.

-سؤالات فرعی تحقیق:

- صدام در جنگ سال ۱۹۹۰ میلادی به چه هدف سیاسی به کشور کویت حمله کرد.
- صدام در جنگ سال ۱۹۹۰ میلادی به چه هدف اقتصادی به کشور کویت حمله کرد.
- صدام در جنگ سال ۱۹۹۰ میلادی به چه هدف امنیتی به کشور کویت حمله کرد.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تاریخی و روش توصیفی - تحلیلی هست. لذا در این پژوهش با استفاده از روش تاریخی، با مراجعه به منابع مختلف مرتبط با موضوع از جمله کتاب‌ها، مقالات، سایت‌های اینترنتی، سخنرانی‌ها و سایر منابع به بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های حمله‌ی عراق به کویت، پرداخته‌شده است. در روش توصیفی به توصیف جنگ از جنبه‌های مختلف، مانند تاریخ شروع جنگ، مدت جنگ، پرداخته‌شده است. و در روش توصیفی - تحلیلی، به تشریح و تبیین این جنگ و دلایل حمله‌ی عراق به پرداخته‌شده است.

- اهمیت و ضرورت تحقیق:

- اهمیت تحقیق:

- وجود منابع عظیم نفت و گاز در خلیج فارس، سبب شده که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهند. خلیج فارس از مهم‌ترین مخازن انرژی جهان به شمار می‌آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی بر عهده دارد. تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن‌کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به‌ویژه نفت و گاز تسلط یابد و بنابراین، جای تعجب نیست که خلیج فارس به‌عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است. این منطقه، دارای ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی است و از این نظر، برای کشورهای صنعتی شاهرگ حیاتی به شمار می‌آید که چرخه اقتصاد را به گردش درمی‌آورد. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند. با توجه به مسائل ذکر شده و با توجه به این‌که منطقه غرب آسیا از ده‌ها سال پیش و خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستخوش جنگ‌هایی در منطقه بوده؛ بررسی این جنگ‌ها از جمله این جنگ باعث می‌شود اطلاعاتی از اوضاع کشورهای این منطقه را به محقق بعدی برسانیم.

حضور نیروهای بیگانه و مخصوصاً ناوگان پنجم دریایی آمریکا در منطقه و امکان بروز تنش میان کشورهای منطقه باهم و مخصوصاً ایران و آمریکا؛ لذا به همین دلیل نگارندگان بر آن شدند که این تحقیق را انجام بدهند.

- ضرورت تحقیق

با انجام این تحقیق متوجه می‌شویم که دسترسی کشورها به دریای آزاد و منابع نفتی چقدر در توان نظامی و غیره نظامی آن‌ها اهمیت داشته و برای رسیدن به این منابع چقدر تلاش می‌کنند. درعین حال نقش استکباری کشور آمریکا در شکل‌گیری این جنگ مشخص می‌شود؛ که برای حضور و سلطه بر منطقه با کشیدن نقشه‌ای شوم از یک طرف از کشورهای عربی درخواست می‌کند که تولید نفت خود را افزایش داده تا نفت ارزان صنایع خود را تأمین کند و به اقتصاد نابسامان عراق هر چه بیشتر فشار آورد. و باعث اختلاف بین این کشورها شود. و درعین حال به کشور عراق چراغ سبز نشان می‌دهد که هر طور صلاح می‌دانید مشکلاتتان با کشور کویت را حل کنید؛ که این امر منجر به جنگی بین دو کشور همسایه یعنی عراق و کویت شد. و سرانجام با حمله‌ای سنگین به کشور عراق؛ قدرت نظامی این کشور که تهدیدی برای رژیم جعلی صهیونیستی (اسرائیل)، بود را از بین برد. و کشورهای عربی تولیدکننده نفت در خلیج فارس را در چتر حمایتی خود برای پیروی از سیاست‌های کلان آمریکا بگیرد؛ که در نهایت نفت با قیمت معقول و مطمئن و با حمل و نقل ایمن خود را تأمین کند.

بررسی علل آغاز این جنگ هم برای شناخت راه‌های حل و فصل مشکلات بین دو کشور و هم برای پیش‌بینی چگونگی بروز جنگ‌های مشابه احتمالی در آینده و راه‌های پیش‌گیری از آن‌ها و کاهش تهدیدات منطقه‌ای و شناخت ظرفیت‌های نظامی‌گری در منطقه، بسیار مهم است.

- مبانی نظری:

- تعریف لغوی جنگ

- واژه‌ی جنگ در لغت‌نامه‌های فارسی به معنی جدال، قتال، هرگونه کوشش و کشش، نبرد، رزم و آورد، زدو خورد، کشتار جمعی یا هرگونه درگیری خصمانه با قصد ساقط کردن یا از میدان به در کردن حریف به کاررفته است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

- تعریف اصطلاحی جنگ

- جنگ نزاع بین دو یا چند حکومت است که با استفاده از نیروهای مسلح همراه است. هدف نهایی هر یک از طرفین غلبه بر دیگری و تحمیل شرایط موردنظرش برای برقراری صلح است (حسنی، ۱۳۶۶: ۸ و پیری، ۱۳۹۲: ۱۳).

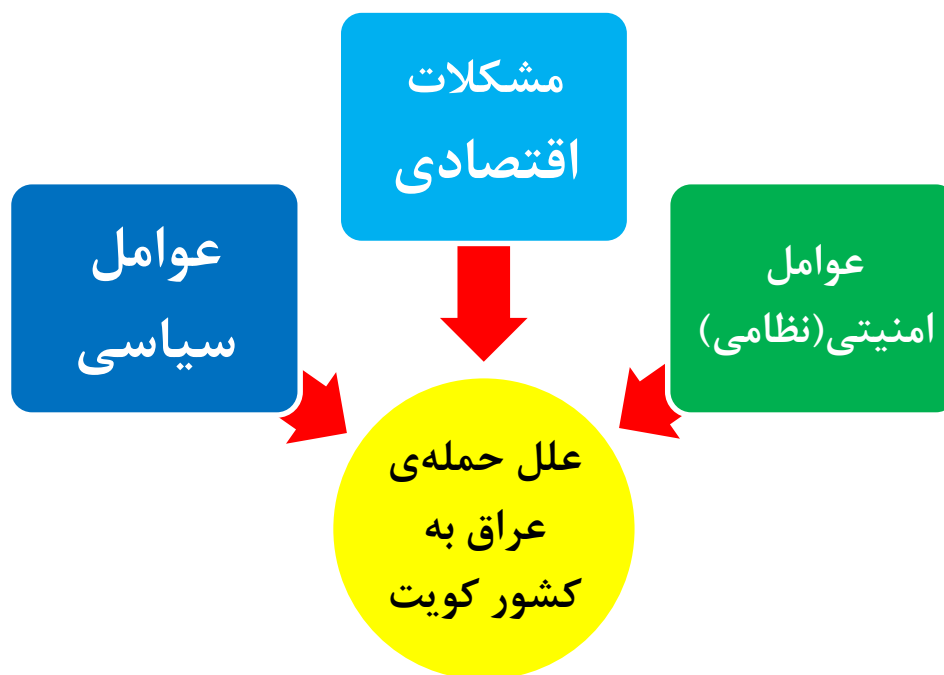
- جنگ عبارت است از برخورد خشونت‌آمیز نیروهای مسلح دو یا چند دولت پس از به بن‌بست رسیدن راه‌حل‌های سیاسی به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری (پیری، ۱۳۷۲: ۱۳).

- استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی را جنگ می‌گویند. (افتخاری، ۱۳۸۵:

۱۶۷).

- علل و عوامل شروع جنگ‌ها:
- به‌طور کلی برای شروع جنگ‌ها به دو عامل ریشه‌ها و زمینه‌ها اشاره می‌کنند.
- الف) ریشه‌ها:
- آن دسته از عواملی هستند که دارای عمق و پایداری بوده و به‌آسانی از بین نمی‌روند. موارد زیر، جزو ریشه‌های جنگ می‌باشند:
- تاریخی: در اثر تکرار جنگ و تداوم خصومت و کینه‌ورزی بین دو کشور یا ملت در طول سالیان متمادی به وجود می‌آید.
- ژئوپلیتیکی: اختلاف‌های ناشی از وضعیت جغرافیایی کشورها و ادعاهای اراضی و مرزی آنان نسبت به یکدیگر.
- سیاسی: رقابت دو کشور بر سر قدرت و تلاش برای دستیابی به نقش و جایگاه بالاتر در نظام سیاسی منطقه‌ای و یا بین‌المللی.
- اقتصادی: اختلاف‌های دو کشور بر سر منابع و بازار و تضاد منافع اقتصادی.
- اجتماعی و فرهنگی: نظیر اختلاف‌های نژادی، قومی، مذهبی و ...
- ب) زمینه‌ها:
- عواملی هستند که تابع شرایط و وضعیت موجود بوده و پایداری کمتری داشته و تأثیرگذار می‌باشند.
- محیط بین‌المللی (ابرقدرت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه).
- ابرقدرت‌ها، کشورهای دارای توانمندی نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌باشند که منافع فراملی برای خود را در اقصی نقاط دنیا تعریف می‌کنند.
- سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌هایی می‌باشند که تعداد فراوانی از کشورها، عضو آن بوده و از مشروعیت بین‌المللی برخوردارند. مانند: سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، سازمان اجلاس اسلامی و ...
- کشورهای منطقه‌ای: کشورهایی هستند که در صورت بروز جنگ در یک منطقه، آثار و پیامدهایی را از نظر امنیتی و اقتصادی و محیط‌زیست و ... بر کشورهای هم‌جوار و منطقه‌ای ایجاد می‌کنند.
- محیط داخلی کشورهای درگیر جنگ
- در بعد سیاسی: انسجام و اقتدار حاکمیت و استحکام رابطه‌ی دولت - ملت و برخورداری نظام از مقبولیت و مشروعیت.
- در بعد نظامی: آمادگی نیروهای مسلح از نظر نیروی انسانی، سلاح و تجهیزات، پشتیبانی، آموزش و مانور، فرماندهی و شناخت و طرح‌ریزی دفاعی و ...

- در بعد اقتصادی: مطلوبیت وضعیت تولید ناخالص ملی ($G N P$)، ذخایر ارزی، رونق اقتصادی، منابع انرژی و ...
- در بعد فرهنگی - اجتماعی: وحدت ملی، وفاق اجتماعی، پرهیز از اختلاف‌های قومی، مذهبی و جناحی و ... (پیری و شربتی، ۱۳۹۲ : ۲۰).
- مصادیقی که موجبات تعارض و اختلاف میان دو یا چند سیستم حکومتی را فراهم نموده، زمینه‌ساز تهدیدات هستند و سایه جنگ را ظاهر می‌سازند به شرح زیرند:
- اختلافات مرزی و دعاوی ارضی.
- بحران‌های مختلف (داخلی یا خارجی).
- مسابقات تسلیحاتی.
- تضادهای عقیدتی.
- ادعای سیاست واحد بر آبراه‌های بین‌المللی استراتژیک یا بستن آن.
- بهره‌برداری از منابع و ثروت دریاها و اقیانوس‌ها.
- عزم و تصمیم یک دولت به جنگ.
- اقدامات پنهانی از طریق سفارتخانه‌ها و استفاده از عوامل داخلی هواخواه در کشور رقیب.
- ادعای بازپس‌گیری ایالات و مناطق از دست‌رفته در جنگ‌های گذشته و کسب اعتبار سیاسی.
- انجام اقدامات خرابکارانه و زمینه‌سازی برای براندازی در کشور رقیب.
- به دست آوردن مستعمراتی به‌منظور داشتن بازار فروش محصولات و منبع خام (تافلر و تافلر، ۱۳۷۲ : ۱۱).



پیشینه تحقیق

-رستمی (۱۳۸۵)، در کتاب نفت‌های خون‌آلود (بررسی جنگ نفت، علل و کارکردهای طرفین)، عنوان می‌کند که ارتش عراق در پی عدم توافق سیاسی میان مسئولین عراق و کویت در خصوص اختلافات مرزی بین خود و خودداری کویت از بخشش بدهی‌های عراق و نیز دادن وام جدیدی به صدام، به این کشور حمله کرد.

-اسدی (۱۳۸۱)، در کتاب خلیج فارس و مسائل آن، از میان دلایل حمله‌ی عراق به کویت دو دلیل را مهم‌تر می‌داند: ۱ - اختلاف‌های اراضی بین دو کشور و ادعای دیرین مالکیت عراق بر کویت. ۲ - مسائل اقتصادی و نفت.

اسدی (۱۳۷۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان جنگ خلیج فارس و نظم نوین جهانی (روابط بین‌المللی خاورمیانه)، در مورد دلایل حمله عراق به کویت و پیامدهای آن این‌طور شرح می‌دهد:

عراقی‌ها هرچند در برخی سال‌ها فقط درخواست واگذاری بخش‌هایی از خاک کویت را به عراق کرده‌اند، اما درنهایت هدف آن‌ها الحاق کامل کویت به عراق بوده است. عراقی‌ها همواره امیدوار بوده‌اند که از طریق انضمام کویت به معضلات ژئوپلیتیکی خود در منطقه خلیج فارس که بدون غلبه بر آن‌ها، برخوردار از یک موقعیت برتر در خلیج فارس نمی‌توانست مطرح باشد فائق آیند.

- دلایل حمله عراق به کویت:

نویسندگان و محققینی که در مورد بحران کویت و عراق تحقیق کرده‌اند، هرکدام متناسب با نوع نگاه خود به این جنگ؛ برای حمله‌ی عراق به کویت دلایل خاص خود را نام می‌برند که بعضی از این دلایل باهم مشترک و بعضی متفاوت می‌باشند. در این پژوهش نگارندگان ابتدا دلایل هرکدام از این نویسندگان را ذکر کرده و سپس مهم‌ترین دلایل حمله عراق به کویت را از نگاه خود شرح می‌دهند.

معین وزیری دلایل حمله عراق به کویت را موارد زیر می‌داند:

از نظر معین وزیری، صدام حسین برای توجیه عملکرد غلط و سیاست‌های گذشته خود در جنگ با ایران و فرار از بن‌بست اقتصادی با اهداف کلی زیر به کویت حمله کرد:

۱- جلب توجه ملت عراق به فتوحات جدید و به بوت‌ه فراموشی سپردن جنگ خانمان‌سوز و بدون نتیجه و پیدا کردن راه‌حلی برای مصالحه با جمهوری اسلامی ایران.

۲- نمایش قدرت نظامی برای اثبات رهبری جهان عرب.

۳- باج‌خواهی و خودداری از بازپرداخت بدهکاری‌های هفت میلیارد دلاری به کویت و ۳۵ میلیارد دلاری به عربستان سعودی.

۴- تسخیر جزایر ورهبه و بوبیان و فیلکه به منظور دستیابی به آب‌های خلیج فارس در صورت مصالحه.

۵- دسترسی به سواحل و بندرها کویت در خلیج فارس (در صورت اشغال دائم)، و حضور نظامی بیشتر در خلیج فارس.

۶- دسترسی به منابع نفتی کویت و رونق بخشیدن به اقتصاد متزلزل عراق (معین وزیری، بی تا، ۲).

اسدی دلایل حمله عراق به کویت را موارد زیر می‌داند:

ادعای اراضی همیشگی خود را بر کل خاک کویت محقق می‌ساخت.

با استفاده از منابع غنی نفت و نیز دسترسی به ذخایر ارزی و سرمایه‌های خارجی کویت مشکلات اقتصادی‌اش را کاهش می‌داد و ضمناً اعتبارات مالی لازم را برای بازسازی جنگی عراق فراهم می‌کرد.

به‌عنوان دارنده‌ی یک‌پنجم کل ذخایر نفت ثابت‌شده‌ی جهان و تولیدکننده‌ی نفتی مهمی در خلیج فارس از موقعیت و نفوذ ویژه‌ای در سازمان اوپک و سیاست‌گذاری‌های آن برخوردار می‌شد.

با کنترل یک بخش استراتژیک از ساحل خلیج فارس (در رأس آن)، و جزایر مهم «وربا» و «بویان»، در یک موقعیت ویژه استراتژیک در رابطه با کشورهای هم‌جوار و غیره هم‌جوار منطقه قرار می‌گرفت.

به آرزوی هژمونی رهبری خود در خلیج فارس بسیار نزدیک می‌شد و با پر کردن خلأ قدرت منطقه‌ای می‌توانست در این راه رقیبی مهم برای ایران و عربستان سعودی محسوب شود (از نظر موقعیت جغرافیایی).

می‌توانست با حمله به کویت حس اعتماد و غرور لازم را پس از ناکامی‌های جنگ ایران و عراق در مردم خود ایجاد کند و ضمناً ناراضی‌های موجود در جامعه و نیروهای مسلح را خاموش سازد.

صدام با این اقدام می‌توانست خود را از بازپرداخت بدهی‌های زیادش به کویت خلاص کند.

هرگونه اقدام نظامی در خلیج فارس به افزایش قابل توجه قیمت نفت منجر می‌شد که این به نفع عراق و نیازهای شدید مالی آن بود.

- رستمی دلایل حمله عراق به کویت را موارد زیر می‌داند:
- علل و ریشه‌های داخلی عراق.
- علل و ریشه‌های منطقه‌ای.
- علل و ریشه‌های بین‌المللی.
- علل و ریشه‌های داخلی عراق برای حمله به کویت:
- داشتن یک ارتش بزرگ و باتجربه.
- حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای عراق.
- اتحاد احزاب مخالف و گروه‌های سیاسی ناراضی و نظامیان پیشین عراق، پس از جنگ باهم.
- تنگناهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی عراق.
- ادعاهای اراضی عراق بر کویت.
- ادعای عراق در سرقت ذخایر نفتی توسط کویت.

- کسب موقعیت و قدرت برتر عربی.
- جنبه‌های شخصیتی و روانی صدام حسین.
- بحران اقتصادی و بدهی‌های خارجی.
- اوضاع داخلی عراق و سرخوردگی و سردرگمی در مقابل افکار عمومی مردم خود (به خاطر خسارات و تلفات بی‌نتیجه در طی ۸ سال جنگ) (رستمی، ۱۳۸۵: ۲۰).
- علل و ریشه‌های منطقه‌ای عراق برای حمله به کویت:
- قدرت نظامی عراق در منطقه و امنیت اسرائیل.
- بی‌توجهی به هشدارهای آشکار عراق از سوی اعراب.
- تحولات منطقه‌ی خلیج فارس و احساس انزوای عراق.
- شکست عراق در جنگ با ایران.
- مشروعیت پایین اعراب.
- تولید زیاد نفت توسط اعراب و ارزان شدن بهای نفت؛ برای ضربه زدن به اقتصاد عراق.
- ادعای عراق در مورد سرقت نفت چاه‌های نفتی میدان رمیله توسط کویت (با حفاری افقی).
- برداشت و ذهنیت صدام از خیانت اعراب منطقه‌ی خلیج فارس به عراق.
- درخواست ۳۰ میلیارد دلار وام توسط صدام از سوی کویت.
- علل و ریشه‌های بین‌المللی عراق برای حمله به کویت:
- تئوری دام سیاست خارجی آمریکا (در قالب تئوری توطئه).
- ذهنیت عراق و دام سیاسی آمریکا (نیاز آمریکا به حضور در منطقه در قالب تئوری توطئه قابل توجیه است).
- جنگ تبلیغاتی غرب علیه عراق و احساس ترس عراق.
- نقش قدرت‌های بین‌المللی.
- ایده‌ی نظام امنیتی جدید برای منطقه خلیج فارس.
- حساسیت امنیت اسرائیل (در مقابل توان ماشین جنگی عظیم عراق).
- دستیابی قریب‌الوقوع عراق به سلاح هسته‌ای و موشک‌های دوربرد و سلاح‌های کشتار جمعی - شیمیایی و بیولوژیکی (در ارتباط با امنیت اسرائیل).
- مدل امنیتی موردنظر واشنگتن برای منطقه‌ی خلیج فارس - خاصه عربستان و کویت، عراق و ایران بود (همان، ۳۶).
- جعفری ولدانی دلایل حمله عراق به کویت را موارد زیر می‌داند:
- موقعیت جغرافیایی؛ منابع طبیعی؛ ایدئولوژی؛ قدرت نظامی؛ نقش رهبری؛ ساختار تصمیم‌گیری؛ نظام بین‌الملل؛ نهادهای منطقه‌ای (اتحادیه‌ی عرب)، و نهادهای بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل متحد).

-نگارندگان از بین دلایل حمله‌ی عراق به کویت سه مورد را از سایر موارد مهم‌تر و اساسی‌تر می‌دانند و اعتقاد دارند که عراق بیشتر به خاطر این دلایل به کشور کویت حمله کرده است. که از این سه مورد، دو مورد را دلایلی داخلی تشکیل می‌دهد و یک مورد را دلایل خارجی تشکیل می‌دهد:

۱- اختلاف اراضی دو کشور و ادعای دیرین مالکیت عراق بر کویت (تنگناهای ژئوپلیتیکی).

تلاش برای تقویت قدرت ملی ارتباط مستقیمی با عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک دارد. در این میان میزان برخورداری از وسعت، موقعیت، منابع و غیره فرصت‌ها یا محدودیت‌هایی فراروی دولت‌ها قرار داده است. حکومت‌ها با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی و تعریفی که از وضعیت خود دارند اقدام به تدوین استراتژی ژئوپلیتیکی می‌کنند که هدف آن جهت‌دهی به نظام‌های سیاسی برای هژمونی، تحصیل و تصرف منابع (مادی و معنوی)، فضایی - سرزمینی است.

ناکارآمدی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق همواره بستری مساعد و بالقوه برای جنگ و منازعه است. به همین دلیل سیاست خارجی این کشور ماهیتی تهاجمی، قلمرو خواه و معترض بخشید و این وضعیت زمینه‌ساز تقویت اندیشه‌های توسعه‌طلبانه‌ی این کشور برای تحصیل سرزمین به‌منظور برون‌رفت از تنگنای ژئوپلیتیکی موجود شد که در قالب تجاوز اراضی به ایران (۱۹۸۰) و کویت (۱۹۹۰) خود را نشان داد. بر این اساس، ادراک ژئوپلیتیکی واحد جغرافیایی - سیاسی عراق همواره بر اساس کدها و مکمل‌های ژئوپلیتیکی در قلمروها و فضاها اطراف خود شکل می‌گیرد. از این رو، دغدغه‌ی دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد نقشی محوری در سیاست خارجی عراق در همه‌ی حکومت‌های این کشور داشته است. به‌عبارت‌دیگر ادراک ژئوپلیتیکی سبب شده است تا حکومت عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب‌های آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص بدهد. به نظر می‌رسد با توجه به تغییرناپذیری مؤلفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی و به‌طورکلی تنگناهای جغرافیایی - فضایی عراق، سیاست خارجی این کشور همواره بر پایه‌ی تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور ترسیم می‌شود.

از آنجاکه عراق کشوری است که از جغرافیای سیاسی دشوار خود رنج می‌برد (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۵۳۴). کشور عراق از زمان تأسیس تا سال ۱۹۹۱ (کشور عراق در سال ۱۹۲۰ تأسیس شد)، همواره نسبت به کویت ادعای اراضی داشته است. از ملک‌غازی تا نوری سعید، از نوری سعید تا عبدالکریم قاسم، از عبدالکریم قاسم تا صدام حسین، همواره یک هدف دنبال شده و آن الحاق کویت به عراق بوده است. هرچند در برخی از سال‌ها فقط درخواست واگذاری بخش‌هایی از کویت را کرده است، اما جنگ ۱۹۹۱، نشان داد که هدف آن‌ها الحاق کامل کویت به خاک خود بوده است. عراق برای توجیه ادعاهای خود نسبت به کویت به بهانه‌ها و دلایل مختلفی استناد کرده است. همچنین برای رسیدن به هدف خود از روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی سود برده است. عراق در برخی سال‌ها که احساس قدرت کرده، به تجاوز متوسل شده و در بعضی سال‌ها که احساس ضعف و ناتوانی نموده از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده کرده است. در زیر برخی از بهانه‌ها و دلایل عراق برای ضمیمه کردن کل یا بخشی از خاک کویت به خاک خود اشاره می‌کنیم: خودداری از حل و فصل اختلافات مالی، مسئله قاچاق کالا، ایجاد جنگ سرد، درخواست امتیازات سیاسی و اقتصادی، بهانه‌ی عدم دسترسی به خلیج فارس، درخواست کنترل جزایر وره و بویان، خودداری از تحدید حدود مرزها، مشروط کردن تأمین آب آشامیدنی کویت و درخواست الحاق کویت به فدراسیون عراق

و اردن. اما مهم‌ترین بهانه‌ی عراق برای ضمیمه کردن کویت به خاک خود، ادعای عدم دسترسی آزادانه‌ی این کشور به خلیج فارس بود.

عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد و همین مسئله یکی از مشکلات اساسی عراق از جنبه اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است که به‌گونه‌ای بر رفتارهای سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته و حل آن را به‌صورت یک هدف آرمانی برای عراق درآورده است. تهاجم عراق به کشور ایران در سال ۱۹۸۰ و نیز به کشور کویت در سال ۱۹۹۰ تجلی تأثیر این مشکل در استراتژی عراق است (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

طول کرانه‌ی دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است. که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت)، و جزیره آبادان قرار می‌گیرد. با احتساب طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۸: ۷۷). بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف عراق در خلیج فارس و دهانه‌ی اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفت‌کش‌ها قابل استفاده نیست. همین مسئله یکی از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی بوده است. این موضوع بر رفتار سیاسی - نظامی این کشور تأثیر گذاشته و بازدارنده‌ی جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره‌جویی برای تنگناهای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به‌صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است. زمامداران توسعه‌طلب عراق گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس را از اهداف راهبردی این کشور طرح کرده و راه برون‌رفت از این تنگنای ژئوپلیتیک را الحاق خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا حداقل حاکمیت بر دو جزیره کویتی وره و بوبیان امکان‌پذیر می‌دیدند (پیشین، ۷۸).

از نظر امنیتی عراق ادعا می‌کرد که فاقد عمق استراتژیک است و تصرف دو جزیره‌ی وره و بوبیان این دولت را قادر می‌سازد تا در مقابل تهدید خارجی از خود دفاع کند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۷: ۲۶۵ - ۲۷۷). با چنین جغرافیای سیاسی دشواری، عراق چاره‌ای نمی‌بیند جز این که توجه استراتژیک خود را روی کویت متمرکز کند. سرزمینی که در خلیج فارس ۱۲۵ مایل، خط ساحلی دارد. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به خط کرانه‌ای کوتاهی درازای ۲۵ مایل محدود است. امکان اقتصادی و نظامی این خط کرانه‌ای بسیار اندک و نامساعد است. نامطلوب بودن کرانه‌های ۲۵ مایلی عراق در شمال غربی خلیج فارس تا آن اندازه است که گسترش پایانه و تأسیسات نفتی عراق به منطقه‌ی فاو، در دهانه شطرنج، محدود است. حتی برای گسترش کارایی بندر فاو، عراق ناگزیر بوده است که پایانه‌های نوین خود را در فاصله‌ای نسبتاً دور، در آب‌های خلیج فارس گسترش دهد (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۵۳۶). بنابراین توجیه عراق این بود که قدرت‌های استعمارگر، اراضی عربی را طوری تقسیم کرده‌اند بودند که تمدنی با آمادگی زیاد و غنای فرهنگی و تراکم جمعیتی‌اش را از منابع و ثروت‌های جدید نفتی و دیگر مواد معدنی جدا کرده و آن‌ها را درجایی با جمعیت کم، فاقد عمق فرهنگی و با استعداد ضعیف قرار داده است. این خط‌مشی موجب شد که عراق در زمان محرومیت استعماری از بخش ارزشمندی از سرزمین خود یعنی کویت محروم شده، از آب‌های آزاد دور نگه‌داشته شود تا نتواند بر بخشی از قابلیت‌های استراتژیک و تاکتیکی‌اش دست یابد (رستمی، ۱۳۸۵: ۲۵). عراق با تصرف کویت و جزایر مهم آن، درواقع از یک موقعیت استراتژیک ویژه در منطقه‌ی حساس خلیج فارس برخوردار می‌شد که در صورت تداوم آن، توازن قدرت منطقه‌ای به نحو بارزی به نفع عراق تغییر می‌یافت که درنهایت در

راستای منافع کشورهای هم‌جوار منطقه و غرب نبود؛ چراکه عراق با این اقدام خود عملاً به بیش از ۱۵۰ کیلومتر ساحل استراتژیک کویت در رأس خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کرد و لذا از وضعیت بسیار نامطلوب در بن‌بست قرار داشتن در آب‌های خلیج فارس و حداقل ساحل در دسترس خود خارج می‌شد. لذا با این هدف به کویت حمله کرد.

۲- بحران اقتصادی و بدهی‌های خارجی؛

عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، (دهه ۱۳۵۰)، و به‌ویژه در نیمه‌ی دوم آن شاهد افزایش بی‌سابقه‌ی میزان تولید نفت، درآمد نفت، درآمد ملی، درآمد سرانه، رشد صنعتی، رونق ساخت‌وساز، و هزینه‌های مصرفی بخش دولتی و خصوصی بود (گنجی‌مراد، ۱۳۹۲: ۹۶). عراق در سال ۱۹۷۹، (۱۳۵۷)، بزرگ‌ترین کشور صادرکننده‌ی نفت اوپک پس از عربستان سعودی بود و میزان صادراتش به ۳ / ۳، میلیون بشکه در روز می‌رسید که ۴ / ۱۱، درصد از کل صادرات اوپک را تشکیل می‌داد. درآمد نفتی عراق نیز ۴ / ۲۱، میلیارد دلار بود که ۵ / ۱۰، درصد از کل درآمد اوپک را به خود اختصاص می‌داد (گنجی‌مراد، ۱۳۹۲: ۹۸). به‌طوری‌که عراق در شروع جنگ با ایران حدود ۳۰، میلیارد دلار ذخیره‌ی ارزی داشت (سالینجر، ۱۳۷۰: ۹). صدام حسین با تحریک، تجهیز و حمایت‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی کشورهای عرب منطقه، کشورهای شرق و غرب و خصوصاً آمریکای جنایتکار حمله‌ی همه‌جانبه‌ای را در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ به کشور ایران اسلامی آغاز کرد (پیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۷۴). و هدف آن تصرف استان نفت‌خیز خوزستان و بعد از آن تصرف کل کشور و سرنگونی انقلاب اسلامی بود. صدام حسین با این پیش‌فرض که در ایران تازه انقلاب شده است و مستشاران خارجی ارتش را ترک کرده‌اند و ارتش به‌هم‌ریخته است و انسجام ندارد و سایر مشکلات موجود در کشور؛ می‌تواند در مدت‌زمان کمی به اهداف خود برسد. که با مقاومت همه‌جانبه مردم ایران صدام به اهداف خود نرسید و جنگ هشت سال طول کشید. به‌طوری‌که عراق در این جنگ طولانی خسارات زیادی دید و هزینه‌های بسیار سنگینی متحمل شد. عراق علاوه بر از دست دادن ذخیره ارزی خود که حدود ۳۰ میلیارد دلار بود. بالغ بر ۱۰۰، میلیارد دلار بدهی خارجی به همراه داشت (سالینجر، ۱۳۷۰: ۹). از آنجا که عراق کشوری تک‌محصولی بود و عمده درآمد آن از فروش نفت بود. به همین دلیل تأسیسات نفتی شامل پایانه‌های بارگیری، ایستگاه‌های پمپاژ، پالایشگاه‌ها و خطوط لوله انتقال نفت از اولین اهدافی بودند که در جنگ دچار خسارت شدند و بر همین اساس، میزان تولید نفت عراق پس از ماه آگوست سال ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹ شمسی)، و تنها پس از گذشت دو ماه از ۴ / ۳، میلیون بشکه به ۱۴۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. از نظر درآمد واقعی نیز درآمد نفتی عراق از ۱ / ۲۶، میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ شمسی)، به ۴ / ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)، کاهش یافت و به همین ترتیب سهم مشارکت بخش نفت در تولید ناخالص ملی عراق نیز از دوسوم به حداکثر یک‌سوم تنزل داده شد. با ادامه‌ی جنگ در سال ۱۹۸۳، (۱۳۶۲)، صادرات نفت عراق به ۷۴۰ هزار بشکه در روز (۱ / ۵، درصد از کل صادرات اوپک)، و درآمد نفتی‌اش به ۸ / ۷، میلیارد دلار (۵ درصد از درآمد نفت اوپک)، کاهش یافت. برخی از علل این کاهش شدید عبارت بودند از: کاهش میزان صادرات ناشی از جنگ، افت کلی تقاضای نفت (و به‌ویژه نفت اوپک)، و سقوط قیمت نفت. در این میان، تصمیم سوریه مبنی بر قطع خط لوله‌ی انتقال نفت عراق از خاک این کشور نیز از دیگر علل کاهش صادرات و درآمد نفت عراق محسوب می‌شد. با این اقدام

سوریه، عراق چهار هزار بشکه نفت صادراتی روزانه‌اش از طریق خط لوله را از دست داد و صادراتش از طریق خطوط لوله زمینی به خط لوله‌ای منحصر شد که از خاک ترکیه عبور می‌کرد و ظرفیت تقریبی آن معادل ۷۵۰ هزار بشکه در روز (حدود یک چهارم ظرفیت صادراتی این کشور در ابتدای جنگ)، بود. در زمان جنگ کاهش صادرات نفت عراق و ایران ناشی از جنگ از سوی سایر تولیدکنندگان و عمدتاً عربستان جبران شد. اگر کشورهای خاورمیانه‌ای عضو سازمان اوپک را به‌مثابه یک گروه در نظر بگیریم، آمار صادرات نفت و درآمدهای ناشی از آن نشانگر این است که عربستان سعودی ۴۰ درصد از درآمد نفت این گروه و به عبارتی ۴۰ درصد از کل صادرات نفتی سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ شمسی)، را به خود اختصاص داده بود. سهم عربستان از صادرات نفت این گروه در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)، به ۶۰ درصد و میزان درآمدش به ۶۲ درصد افزایش یافت. تغییر وضعیت عراق نسبت به عربستان سعودی را از طریق مقایسه‌ی سطوح درآمدی دو کشور نیز می‌توان ارزیابی کرد. در حالی که درآمد نفت عراق در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ شمسی)، معادل ۳۴ درصد درآمد نفت عربستان سعودی بود، این مقدار در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)، به ۹ درصد کاهش یافت. نکته‌ی مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که عربستان به‌رغم اشباع کاملاً آشکار بازار جهانی، صادراتش را همچنان در سطح بسیار بالایی نگه داشت. در واقع صادرات نفت اوپک که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، به اوج رسیده و بالغ بر ۶ / ۲۸، میلیون بشکه در روز شده بود در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، به ۵ / ۱۶، میلیون بشکه در روز کاهش یافت و این در حالی بود که سهم عربستان سعودی از کل صادرات نفت این سازمان از ۳۲ درصد در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، به ۳۷ درصد در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، افزایش یافت. همه‌ی اعضای اوپک نسبت به این سیاست عربستان اعتراض کردند و این سیاست خطرناک علیه اهداف اقتصادی‌شان را محکوم کردند؛ که اعتراض عراق از همه شدیدتر بود که به دو نمونه از اعتراضات مسئولین بلندپایه وقت عراق اشاره می‌کنیم. صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق با زیان‌آور خواندن سیاست اضافه‌تولید عربستان سعودی، نظرش را در این مورد چنین بیان کرد:

« ما ضمن توصیه دوستانه به برخی برادران عربمان که با سیاست تولید و بازاریابی خود باعث اشباع بیش‌ازاندازه بازار نفت شده‌اند، انتقادات جدی هم از آن‌ها داریم و احتمالاً نمی‌توانیم دلایل متقاعدکننده‌ای در تأیید این سیاست و اهداف آن بیابیم. تأثیرات زیان‌آور این سیاست بر کشورهای عرب تولیدکننده نفت و دیگران کاملاً آشکار است. اگر برخی کشورهای تولیدکننده نفت درآمدهای مازادی دارند، همه ما چنین ذخیره‌ای از ثروت نداریم. ما همچنین هیچ منطقی برای این تولید که منجر به اشباع بازار نفت شده نمی‌بینیم.»

وزیر نفت عراق با حمله‌ی شدیدتر به سیاست نفتی سعودی، معتقد بود هدف از سیاست اشباع نفت طولانی‌تر شدن جنگ ایران و عراق بوده است.

میزان صادرات نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، به ۳ / ۱۳ میلیون بشکه در روز رسید و این در حالی بود که این میزان در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، به نقطه‌ی اوج ۹ / ۲۸ میلیون بشکه در روز رسیده بود. بر همین اساس، قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، به پایین‌ترین حد خود تا آن زمان یعنی هر بشکه ۷ دلار سقوط کرد و درآمد نفت اوپک نیز از ۵ / ۲۸۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، به ۸ / ۷۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، کاهش یافت. با این اتفاقات و قطع دسترسی عراق به خلیج فارس و توقف انتقال نفتش از طریق خط لوله‌ای که از خاک سوریه می‌گذشت هنوز از ظرفیت

واقعی‌اش بسیار کم‌تر بود و درآمد نفتی این کشور از ۳ / ۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، (۱۳۵۹)، به ۹ / ۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶، (۱۳۶۵)، کاهش یافته بود.

جالب اینکه با ادامه‌ی جنگ در خاک عراق، درآمد نفتی این کشور بیش‌ازپیش کاهش یافت و وابستگی‌اش به این منبع درآمد تشدید شد؛ زیرا عراق با این درآمد در حال کاهش مجبور بود ضمن پرداخت هزینه‌ی واردات اساسی اقلام نظامی و غیرنظامی، دیون خارجی‌اش را هم مستهلک کند تا زمینه‌ی استقراض‌های جدید را فراهم نماید. علاوه بر کاهش درآمد نفت، نزدیکی بندرها عراق به خلیج‌فارس نیز این کشور را مجبور کرد تا نفت خود را به‌وسیله‌ی خطوط لوله و از طریق خاک کشورهای کویت، اردن و ترکیه صادر نماید؛ مسئله‌ای که افزایش قیمت کالاهای صادراتی عراق را در پی داشت.

در جنگ ایران و عراق هزینه‌ی جنگ عراق از دو طریق تأمین می‌شد؛ یکی از طریق فروش نفت و دیگری کمک‌های مختلف خارجی و کشورهای عربی منطقه. که با طولانی شدن جنگ و آسیب دیدن تجهیزات نفتی عراق و کاهش صادرات نفت خود و ارزانی قیمت نفت که ناشی از کمی تقاضا، افزایش تولید نفت از طرف عربستان سعودی، جایگزینی نفت از طرف کشورهای غربی، افزایش صادرات نفتی کشورهای غیر عضو اوپک بود. کشور عراق از این منبع درآمدی به میزان زیادی محروم شد. که با طولانی شدن جنگ و کاهش تدریجی ذخایر ارزی عراق؛ افزایش وابستگی این کشور به اعتبارات اعطایی تولیدکنندگان خارجی و در ادامه نیز تکیه بر وام‌های بلندمدت خارجی بود. پس از کاهش ذخایر ارزی عراق، کشورهای عربستان سعودی و کویت به‌ویژه در اوایل، جنگ کمک‌های مالی فراوانی در اختیار این کشور قرار دادند.

یکی از پیامدهای مهم این تغییر وضعیت نفتی عراق، وابستگی فزاینده‌ی رژیم این کشور به حمایت‌های مالی همسایگانش و به‌ویژه عربستان سعودی و کویت بود که مایل بودند به حمایت مالی از عراق را ادامه دهند. حمایت‌های مالی دو کشور مزبور از عراق به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شد. اول، افزایش کمک‌های اقتصادی آشکار و فوری؛ دوم، تولید روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت از حوزه‌های نفتی شان و فروش آن به نیابت از طرف عراق؛ و سوم، ابراز تمایل عربستان سعودی به افزایش اعتبار عراق در بازارهای مالی بین‌المللی. انهدام ماشین جنگی عراق، قطع خط لوله‌ی انتقال نفت این کشور از خاک سوریه، کاهش عمومی میزان صادرات و افت قیمت نفت عراق، و تدابیر ریاضتی و صرفه‌جویی که دولت عراق مجبور به اجرای آن شد همه از جمله مشکلات ناشی از جنگ بود. به همین دلیل بقای نظامی و اقتصادی عراق به درآمد نفت، کمک‌های اقتصادی کشورهای عربی و تأمین اعتبارات خارجی وابسته بود تا آنجا که یکی از ناظران امور در این مورد می‌گوید " یکی از علل اصلی احیای مجدد ارتش عراق و گذار از روزهای اسف‌بار سال ۱۹۸۲ میلادی، تأمین اعتبارات خارجی بود. سخاوتمندی دولت‌های عرب خلیج‌فارس، استفاده از منابع مالی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ی (OECD)، و اعتبارات اعطایی شوروی از جمله عللی بود که از فروپاشی کلی اقتصادی عراق جلوگیری کرد". دولت عراق با دست رسی به سرمایه‌های عظیم خارجی و کمک‌های مالی کشورهای عرب توانست سیاست اسلحه و کره (guns and butter)، را در کشور اجرا نماید؛ سیاستی که در آن ضمن تأمین نیازهای اقشار مختلف جامعه، بودجه‌های نظامی نیز افزایش یافت. افزایش سریع واردات از ۲ / ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸، (۱۳۵۷)

شمسی)، به ۶ / ۲۱، میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، که افزایشی بیش از ۴۰۰ درصد را نشان می‌داد تنها یکی از آثار اعمال این سیاست بود. بررسی‌های دقیق نیز این واقعیت را آشکار می‌ساخت. که واردات عمدتاً از کالاهای غیرنظامی بود. بنابراین، میزان افزایش واردات غیرنظامی در این دوره از ۶ / ۲، میلیارد دلار که ۹ / ۶۱، درصد از کل واردات عراق را تشکیل می‌داد به ۳ / ۱۷، میلیارد دلار افزایش یافته بود که ۱ / ۸۰، درصد از کل واردات این کشور را به خود اختصاص می‌داد (گنجی مراد ۱۳۹۲: ۹۷). بنابراین افزایش سریع واردات غیرنظامی را باید به‌عنوان راهبرد سیاسی دولت عراق برای کاهش تأثیرات جنگ بر هنجارهای زندگی مردم تلقی کرد؛ راهبردی که دولت از طریق آن تلاش می‌کرد کالاهای مصرفی آن‌ها را به‌وفور در اختیارشان قرار دهد. اما کشورهای عربی منطقه که به عراق کمک مالی می‌کردند به دلایلی از جمله کاهش قیمت نفت و کمی درآمد خود و این‌که عراق با منابع مالی کشورهای عربی به طرح‌های توسعه‌ی عمده می‌پرداخت؛ که هم‌پیمانان عراق مایل نبودند عراق از منابع مالی برای تأمین زندگی مرفه برای عراقی‌ها و یا اعمال سیاست اسلحه استفاده کند. و به همین دلیل کمک‌های خود را به عراق قطع کردند. با پایین آمدن درآمد نفتی عراق و قطع کمک‌های خارجی (مخصوصاً کشورهای عربی)، صدام حسین تقریباً دو منبع درآمدی خود را از دست داد. به همین دلیل دچار مشکلات زیادی شد. و بدون این‌که به اهداف خود در جنگ ایران برسد؛ کشورش ویران شد و افتاد آن در حال فروپاشی بود، اما ایران در حال بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ بود. به همین دلیل صدام بعد از جنگ برای حفظ قدرت بازدارندگی‌اش نیاز فوری به تجدید ساختمان اقتصاد و توسعه‌ی زیربنایی صنعتی و فناوری خود داشت؛ بنابراین تحقق روند یادشده زمانی امکان‌پذیر بود که عراق درآمدهای نفتی خود را از راه بالا بردن قیمت‌ها افزایش داده، قروض جنگی‌اش به کشورهای خلیج فارس بخشوده شود و نیز این کشورها یک «طرح مارشال عربی»، را برای کمک به عراق که «حیانتشان را مدیون آن و صدام هستند»، به مورد اجرا بگذارند. با وجود این انتظار عراق، کویت در روز نهم اوت ۱۹۸۸، یعنی فردای روز آتش‌بس، تصمیم گرفت برخلاف موافقت‌نامه‌ی سهمیه‌های تعیین‌شده‌ی اوپک، تولید نفت خود را افزایش دهد. علاوه بر این اقدام به افزایش استخراج نفت از منطقه‌ی نفتی و مشترک مرزی «رومیله»، که همیشه مورد ادعای عراق بوده کرد. پیرو این اقدام کویت، عربستان سعودی و امارات متحده سهمیه‌بندی صادرات نفت خود را از سوی اوپک تعیین‌شده بود نادیده گرفتند و با افزایش تولید نفت باعث شدند که قیمت هر بشکه نفت از ۲۱، دلار به ۱۱، دلار کاهش یابد و این همان چیزی بود که اقتصاد عراق را در معرض بحران و فروپاشی قرار می‌داد؛ چراکه پیرو آن، درآمدهای ارزی عراق که به میزان ۹۰ درصد به نفت وابسته بود به حدود هفت میلیارد دلار در سال سقوط کرد (لازم به ذکر است درآمدهای نفتی عراق در سال ۱۹۸۰، ۱۴ / ۲۶، میلیارد دلار بوده است)، و هم‌زمان با آن، دیون خارجی این کشور به میزان هفت میلیارد دلار افزایش یافت (سالیجر، ۱۳۷۰: ۱۰). تحمل این میزان خسارت سالانه از نظر صدام حسین برای بودجه‌ی ضعیف عراق یک فاجعه بود؛ زیرا عراق حتی نمی‌توانست بهره‌ی سالیانه‌ی قرض‌های خود را که بالغ بر ۳۰، میلیارد دلار بود بپردازد، چه رسد به پرداخت اصل دیون که بسیار سنگین بود. مجموعه‌ی این اقدامات و ویران شدن کشور عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران و شکست تحقیرآمیز مقابل ایران و عدم موفقیت در تصرف و الحاق استان نفت‌خیز خوزستان به کشور عراق؛ صدام را به هدفی راحت‌تر و در دسترس‌تر یعنی کویت سوق داد. از آنجا که کویت یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده‌ی نفت در جهان است و از نظر ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت مقام سوم

را در میان کشورهای جهان دارد. بنابراین، دستیابی عراق به تمام کویت و یا بخش‌هایی از آن، درآمدهای عراق را به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۷: ۲۷۶). عراق با استفاده از منابع غنی نفت و نیز دسترسی به ذخایر ارزی و سرمایه‌های کویت مشکلات اقتصادی‌اش را کاهش می‌داد و ضمناً اعتبارات لازم را برای بازسازی جنگی عراق فراهم می‌کرد. در زمان تصرف کویت، جمع دارایی‌های خارجی کویت ۱۵۰ میلیارد دلار بود که ۱۰۰ میلیارد آن متعلق به بخش دولتی و ۵۰ میلیارد به بخش خصوصی تعلق داشت (Washington Post, 3 Aug 1990). علاوه بر آن عراق با تسلط بر کویت دارنده‌ی یک‌پنجم کل ذخایر نفت ثابت‌شده‌ی جهان و تولیدکننده‌ی نفتی مهمی در خلیج فارس از موقعیت و نفوذ ویژه‌ای در سازمان اوپک و سیاست‌گذاری‌های آن برخوردار می‌شد. لذا با این هدف به کویت حمله کرد.

۳- گرفتار شدن صدام حسین در دام سیاست خارجی آمریکا (دلیل خارجی)؛

در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی، خانم اپریل گلاسی سفير آمریکا در بغداد با صدام حسین ملاقات کرد و در جریان این مذاکرات چند چراغ سبز به صدام می‌دهد. یکی این‌که جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا اعلام جنگ اقتصادی علیه عراق نخواهد کرد، دوم اینکه آمریکا نیز همانند عراق موافق افزایش قیمت نفت به میزان بیش از ۲۵ دلار است، سوم اینکه اختلافات مرزی کویت و عراق به آمریکا مربوط نیست، و بالاخره اینکه ما امیدواریم که عراق و کویت اختلافات مرزی خود را به هر طریقی که مصلحت می‌دانند حل و فصل کنند. و در ادامه اضافه می‌کند که جنگ بین عراق و کویت یک مسئله عربی است، نه مسئله‌ای که بر ایالات متحده تأثیر بگذارد. ما هیچ نظری نسبت به مناقشات اعراب با یکدیگر، نظیر اختلافات مرزی شما با کویت نداریم. او می‌گوید که جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا، روابط بهتر و عمیق‌تری با عراق را می‌خواهد. این سخنان باعث شد که عراقی‌ها (صدام) فکر کنند که جامعه‌ی بین‌الملل موافق حمله‌ی عراق به کویت است و این ارزیابی را مبنای حمله به کویت و اشغال آن قرار دادند. با این اوصاف صدام فریب حرف‌های سفير آمریکا را می‌خورد و در دام سیاست خارجی آمریکا گیر می‌کند. آمریکایی‌ها از این حرف‌ها چند هدف داشتند، یکی اینکه صدام حسین را ترغیب کنند که به کویت حمله کند و از آن‌طرف به بهانه‌ی دفاع از کویت، به عراق حمله کرده و ماشین جنگی آن (عراق)، که بعد از جنگ با ایران با کمک کشورهای شرقی و غربی و مخصوصاً آمریکا قوی شده بود و خطری برای اسرائیل محسوب می‌شد را از بین ببرند، دوم با حمله عراق به کویت و تصرف کشور ضعیف و کوچک کویت و تهدید سایر کشورهای ثروتمند عربی خلیج فارس برای خود جای پای درست کند؛ و با بستن پیمان‌های نظامی با این کشورها و ایجاد پایگاه‌هایی در این کشورها حضور خود در منطقه را موجه کنند و با فروش تجهیزات نظامی خود به کشورهای خلیجی اقتصاد خود را رونق داده و جریان صدور نفت ارزان و مطمئن برای صنایع خود را تضمین کنند. لذا برای اینکه به اهداف خود برسند؛ بهترین راه تحریک عراق برای حمله به کویت بود.

۴- تحلیل یافته‌ها:

علل حمله‌ی عراق به کویت:

پاسخ به سؤالات:

پاسخ به سؤال اول:

- آیا اختلاف اراضی دو کشور و ادعای دیرین مالکیت عراق بر کویت (تنگناهای ژئوپلیتیکی) باعث حمله‌ی عراق به کویت شده است..

عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد و همین مسئله یکی از مشکلات اساسی عراق از جنبه اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است که به‌گونه‌ای بر رفتارهای سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته و حل آن را به‌صورت یک هدف آرمانی برای عراق درآورده است. طول کرانه‌ی دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است. که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت)، و جزیره آبادان قرار می‌گیرد. با احتساب طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف عراق در خلیج فارس و دهانه‌ی اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفت‌کش‌ها قابل استفاده نیست. همین مسئله یکی از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی بوده است. این موضوع بر رفتار سیاسی - نظامی این کشور تأثیر گذاشته و بازدارنده‌ی جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره‌جویی برای تنگناهای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به‌صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است. زمامداران توسعه‌طلب عراق گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس را از اهداف راهبردی این کشور طرح کرده و راه برون‌رفت از این تنگنای ژئوپلیتیک را الحاق خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا حداقل حاکمیت بر دو جزیره کویتی ورهبه و بوبیان امکان‌پذیر می‌دیدند. عراق با تصرف کویت و جزایر مهم آن، درواقع از یک موقعیت استراتژیک ویژه در منطقه‌ی حساس خلیج فارس برخوردار می‌شد که در صورت تداوم آن، توازن قدرت منطقه‌ای به نحو بارزی به نفع عراق تغییر می‌یافت؛ چراکه عراق با این اقدام خود عملاً به بیش از ۱۵۰ کیلومتر ساحل استراتژیک کویت در رأس خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کرد و لذا از وضعیت بسیار نامطلوب در بن‌بست قرار داشتن در آب‌های خلیج فارس و حداقل ساحل در دسترس خود خارج می‌شد.

پاسخ به سؤال دوم

- آیا بحران اقتصادی و بدهی‌های خارجی عراق باعث حمله‌ی عراق به کویت شده است.

منابع مالی جنگ عراق علیه ایران از دو طریق تأمین می‌شد:

۱- فروش نفت.

۲- کمک‌های خارجی (مخصوصاً کشورهای عربی).

که با پایین آمدن درآمد نفتی عراق و قطع کمک‌های خارجی (مخصوصاً کشورهای عربی)، صدام حسین تقریباً دو منبع درآمدی خود را از دست داد. به همین دلیل دچار مشکلات زیادی شد.

جنگ طولانی هشت‌ساله عراق علیه ایران؛ باعث ضعیف شدن اقتصاد عراق شد و عراق به کشوری بدهکار تبدیل شد که روزبه‌روز بدهی‌های خارجی آن افزایش می‌یافت. و اقتصاد آن در حال فروپاشی بود.

صدام بعد از جنگ برای حفظ قدرت بازدارندگی‌اش نیاز فوری به تجدید ساختمان اقتصاد و توسعه‌ی زیربنایی صنعتی و فناوری خود داشت؛ بنابراین تحقق روند یادشده زمانی امکان‌پذیر بود که عراق درآمدهای نفتی خود را از راه بالا بردن قیمت‌ها افزایش داده، قروض جنگی‌اش به کشورهای خلیج‌فارس بخشوده شود و نیز این کشورها یک «طرح مارشال عربی»، را برای کمک به عراق که «حیاطشان را مدیون آن و صدام هستند»، به مورد اجرا بگذارند. با وجود این انتظار عراق، کویت در روز نهم اوت ۱۹۸۸، یعنی فردای روز آتش‌بس، تصمیم گرفت برخلاف موافقت‌نامه‌ی سهمیه‌های تعیین‌شده‌ی اوپک، تولید نفت خود را افزایش دهد. علاوه بر این اقدام به افزایش استخراج نفت از منطقه‌ی نفتی و مشترک مرزی «رومیله»، که همیشه مورد ادعای عراق بوده کرد. پیرو این اقدام کویت، عربستان سعودی و امارات متحده سهمیه‌بندی صادرات نفت خود را از سوی اوپک تعیین‌شده بود نادیده گرفتند و با افزایش تولید نفت باعث شدند که قیمت هر بشکه نفت از ۲۱، دلار به ۱۱، دلار کاهش یابد و این همان چیزی بود که اقتصاد عراق را در معرض بحران و فروپاشی قرار می‌داد؛ چراکه پیرو آن، درآمدهای ارزی عراق که به میزان ۹۰ درصد به نفت وابسته بود به حدود هفت میلیارد دلار در سال سقوط کرد (لازم به ذکر است درآمدهای نفتی عراق در سال ۱۹۸۰، ۱۴ / ۲۶، میلیارد دلار بوده است). و هم‌زمان با آن، دیون خارجی این کشور به میزان هفت میلیارد دلار افزایش یافت. تحمل این میزان خسارت سالانه از نظر صدام حسین برای بودجه‌ی ضعیف عراق یک فاجعه بود؛ زیرا عراق حتی نمی‌توانست بهره‌ی سالانه‌ی قرض‌های خود را که بالغ بر ۳۰، میلیارد دلار بود بپردازد، چه رسد به پرداخت اصل دیون که بسیار سنگین بود. مجموعه‌ی این اقدامات و ویران شدن کشور عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران و شکست تحقیرآمیز مقابل ایران و عدم موفقیت در تصرف و الحاق استان نفت‌خیز خوزستان به کشور عراق؛ صدام را به هدفی راحت‌تر و در دسترس‌تر یعنی کویت سوق داد. از آنجاکه کویت یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده‌ی نفت در جهان است و از نظر ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت مقام سوم را در میان کشورهای جهان دارد. بنابراین، دستیابی عراق به تمام کویت و یا بخش‌هایی از آن، درآمدهای عراق را به گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌دهد. عراق با استفاده از منابع غنی نفت و نیز دسترسی به ذخایر ارزی و سرمایه‌های کویت مشکلات اقتصادی‌اش را کاهش می‌داد و ضمناً اعتبارات لازم را برای بازسازی جنگی عراق فراهم می‌کرد. در زمان تصرف کویت، جمع‌داری‌های خارجی کویت ۱۵۰، میلیارد دلار بود که ۱۰۰، میلیارد آن متعلق به بخش دولتی و ۵۰، میلیارد به بخش خصوصی تعلق داشت. علاوه بر آن عراق با تسلط بر کویت دارنده‌ی یک‌پنجم کل ذخایر نفت ثابت‌شده‌ی جهان و تولیدکننده‌ی نفتی مهمی در خلیج‌فارس از موقعیت و نفوذ ویژه‌ای در سازمان اوپک و سیاست‌گذاری‌های آن برخوردار می‌شد. لذا با این هدف به کویت حمله کرد.

پاسخ به سؤال سوم

- آیا چراغ سبز آمریکا (گرفتار شدن صدام حسین در دام سیاست خارجی آمریکا)، باعث حمله‌ی عراق به کویت شده است. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، دست آمریکا از منابع سرشار اقتصادی این کشور از جمله نفت آن کوتاه شد. به همین دلیل از همان ابتدای پیروزی انقلاب دشمنی خود را با انقلاب آغاز کرد؛ و تلاش‌های زیادی برای سرنگونی آن انجام داد که در همه‌ی آن‌ها شکست خورد. لذا به این نتیجه رسید که با یک جنگ

سخت انقلاب را سرنگون کند. به همین دلیل بهترین گزینه برای این کار را کشور عراق (صدام حسین) یافت. لذا ارتش بعث عراق با حمایت همه‌جانبه‌ی شرق و غرب، کشورهای حوزه خلیج فارس و مخصوصاً آمریکا به صورت رسمی در تاریخ، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با اهداف زیر به ایران حمله کرد.

الف. براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف استکبار جهانی؛

ب. تسلط بر اروندرود (از طریق لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر)؛ (خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی).

ج. تصرف استان زرخیز خوزستان (به خاطر ذخایر سرشار نفت و بحث اقتصادی آن)؛

د. تسلط بر منطقه‌ی شمالی خلیج فارس (خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی و دستیابی به منابع اقتصادی).

در زمان جنگ کشورهای مختلف دنیا کمک‌های مالی، فنی و نظامی زیادی به عراق کردند. که بتواند در جنگ با ایران پیروز شود و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد. و برای رسیدن به این هدف مدرن‌ترین تجهیزات نظامی را در اختیار عراق قراردادند. سران رژیم عراق به پیروزی کوتاه‌مدت در جنگ امیدوار بودند و اوضاع سیاسی، بحران‌های داخلی ایران، آمادگی ارتش عراق و اطمینان از پشتیبانی غرب به این امیدواری شدت می‌بخشید. از نظر نظامی وضعیت و شرایط نامطلوب نیروهای نظامی کشور ایران، عامل اساسی در ترغیب ارتش عراق به آغاز عملیات نظامی و ایجاد اطمینان در کسب پیروزی به حساب می‌آمد. در این جنگ ارتش بعث عراق ابتدا با موفقیت‌هایی هم راه بود اما با مقاومت همه‌جانبه‌ی نیروهای ایرانی؛ این پیروزی‌ها به شکست انجامید. و بعد از هشت سال جنگ جز ویرانی کشور، از بین رفتن زیرساخت‌های کشور، فروپاشی اقتصادی، تلفات نیروی انسانی و از بین رفتن تجهیزات نظامی، چیزی نصیب عراق نشد. این جنگ طولانی باعث ضعیف شدن اقتصاد عراق شد و عراق به کشوری بدهکار تبدیل شد که روزبه‌روز بدهی‌های خارجی آن افزایش می‌یافت. هنگام تجهیز عراق برای حمله به ایران؛ کشورهای منطقه، غرب و خصوصاً آمریکا به این نکته توجه نکرده بودند که پس از پایان جنگ ایران و عراق؛ این همه تجهیزات نظامی مدرن به چه درد صدام می‌خورد. بعد از پایان جنگ ارتش عراق یک نیروی نظامی باتجربه داشت که هشت سال با ایران جنگیده بود و بیش از یک میلیون نفر نیرو داشت. و انواع تجهیزات نظامی مدرن را در اختیار داشت، که آن را در زمره‌ی چهار ارتش اول جهان کرده بود. و خطری برای اسرائیل محسوب می‌شد. لذا آمریکایی‌ها به دنبال راهی بودند که این ارتش قوی را از بین ببرند. صدام حسین بعد از پایان جنگ با ایران که به هیچ‌یک از اهدافش نرسید و آسیب‌های زیادی دید. برای کاهش مشکلات اقتصادی خود و بازسازی کشور مدام کشورهای عربی خلیج فارس را تهدید می‌کرد که بتواند از این راه هزینه بازسازی کشور را تأمین کند. به همین دلیل مجموعه درخواست‌هایی از کشورهای عربی منطقه داشت؛ از جمله بخشش بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق به کشورهای عربی خلیج فارس، دادن کمک‌های مالی جدید به عراق (۱۰ میلیارد دلار)، و کاهش تولید نفت برای بالا رفتن قیمت نفت. اما کشورهای عرب خلیج فارس و مخصوصاً کویت مخالف کاهش تولید نفت بودند؛ و که این کار باعث پایین آمدن قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی عراق شد. با افزایش تولید نفت قیمت هر بشکه نفت از ۲۱، دلار به ۱۱، دلار کاهش یافت و این همان چیزی بود که اقتصاد عراق را در معرض بحران و فروپاشی قرار می‌داد؛ چراکه پیرو آن، درآمدهای ارزی عراق که به میزان ۹۰ درصد به نفت وابسته بود به حدود هفت میلیارد دلار در سال سقوط کرد (لازم به ذکر است درآمدهای نفتی عراق در سال ۱۹۸۰، ۲۶ / ۱۴، میلیارد دلار بوده است)، و هم‌زمان با آن، دیون خارجی این کشور به میزان هفت میلیارد دلار افزایش یافت.

تحمل این میزان خسارت سالانه از نظر صدام حسین برای بودجه‌ی ضعیف عراق یک فاجعه بود؛ زیرا عراق حتی نمی‌توانست بهره‌ی سالیانه‌ی قرض‌های خود را که بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار بود بپردازد، چه رسد به پرداخت اصل دیون که بسیار سنگین بود. مجموعه‌ی این اقدامات و ویران شدن کشور عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران و شکست تحقیرآمیز مقابل ایران و عدم موفقیت در تصرف و الحاق استان نفت‌خیز خوزستان به کشور عراق؛ صدام را به هدفی راحت‌تر و در دسترس‌تر یعنی کویت سوق داد. در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی، خانم اپریل گلاسی سفیر آمریکا در بغداد با صدام حسین ملاقات کرد و در جریان این مذاکرات چند چراغ سبز به صدام می‌دهد. یکی این‌که جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا اعلام جنگ اقتصادی علیه عراق نخواهد کرد، دوم اینکه آمریکا نیز همانند عراق موافق افزایش قیمت نفت به میزان بیش از ۲۵ دلار است، سوم اینکه اختلافات مرزی کویت و عراق به آمریکا مربوط نیست، و بالاخره اینکه ما امیدواریم که عراق و کویت اختلافات مرزی خود را به هر طریقی که مصلحت می‌دانند حل و فصل کنند. و در ادامه اضافه می‌کند که جنگ بین عراق و کویت یک مسئله عربی است، نه مسئله‌ای که بر ایالات متحده تأثیر بگذارد. ما هیچ نظری نسبت به مناقشات اعراب با یکدیگر، نظیر اختلافات مرزی شما با کویت نداریم. او می‌گوید که جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا، روابط بهتر و عمیق‌تری با عراق را می‌خواهد. این سخنان باعث شد که عراقی‌ها (صدام) فکر کنند که جامعه‌ی بین‌الملل موافق حمله‌ی عراق به کویت است و این ارزیابی را مبنای حمله به کویت و اشغال آن قرار دادند. با این اوصاف صدام فریب حرف‌های سفیر آمریکا را می‌خورد و در دام سیاست خارجی آمریکا گیر می‌کند. آمریکایی‌ها از این حرف‌ها چند هدف داشتند، یکی اینکه صدام حسین را ترغیب کنند که به کویت حمله کند و از آن‌طرف به بهانه‌ی دفاع از کویت، به عراق حمله کرده و ماشین جنگی آن (عراق)، که بعد از جنگ با ایران با کمک کشورهای شرقی و غربی و مخصوصاً آمریکا قوی شده بود و خطری برای اسرائیل محسوب می‌شد را از بین ببرند، دوم با حمله عراق به کویت و تصرف کشور ضعیف و کوچک کویت و تهدید سایر کشورهای ثروتمند عربی خلیج فارس برای خود جای پای درست کند؛ و با بستن پیمان‌های نظامی با این کشورها و ایجاد پایگاه‌هایی در این کشورها حضور خود در منطقه را موجه کند و با فروش تجهیزات نظامی خود به کشورهای خلیجی اقتصاد خود را رونق داده و جریان صدور نفت ارزان و مطمئن برای صنایع خود را تضمین کنند. لذا برای اینکه به اهداف خود برسند؛ بهترین راه تحریک عراق برای حمله به کویت بود.

نتیجه‌گیری

عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد و همین مسئله یکی از مشکلات اساسی عراق از جنبه اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است که به‌گونه‌ای بر رفتارهای سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته و حل آن را به‌صورت یک هدف آرمانی برای عراق درآورده است. زمامداران توسعه‌طلب عراق گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس را از اهداف راهبردی این کشور طرح کرده و راه برون‌رفت از این تنگنای ژئوپلیتیک را الحاق خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا حداقل حاکمیت بر دو جزیره کویتی وره و بوبیان امکان‌پذیر می‌دیدند. به همین دلیل کشور عراق با حمایت همه‌جانبه‌ی شرق و غرب، کشورهای حوزه خلیج فارس و مخصوصاً آمریکا به‌صورت رسمی در تاریخ، ۳۱ شهریور، ۱۳۵۹، با اهداف زیر به ایران حمله کرد.

الف. براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف استکبار جهانی؛
 ب. تسلط بر اروندرود (از طریق لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر)؛ (خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی).
 ج. تصرف استان زرخیز خوزستان (به خاطر ذخایر سرشار نفت و بحث اقتصادی آن)؛
 د. تسلط بر منطقه‌ی شمالی خلیج فارس (خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی و دستیابی به منابع اقتصادی).
 صدام حسین بعد از پایان جنگ با ایران به هیچ‌یک از اهدافش نرسید و آسیب‌های زیادی دید. برای کاهش مشکلات اقتصادی خود و بازسازی کشور مدام کشورهای عربی خلیج فارس را تهدید می‌کرد که بتواند از این راه هزینه بازسازی کشور را تأمین کند. به همین دلیل مجموعه درخواست‌هایی از کشورهای عربی منطقه داشت؛ از جمله بخشش بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق به کشورهای عربی خلیج فارس، دادن کمک‌های مالی جدید به عراق (۱۰ میلیارد دلار)، و کاهش تولید نفت برای بالا رفتن قیمت نفت. اما کشورهای عرب خلیج فارس و مخصوصاً کویت مخالف کاهش تولید نفت بودند؛ و که این کار باعث پایین آمدن قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی عراق شد. مجموعه‌ی این اقدامات و ویران شدن کشور عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران و شکست تحقیرآمیز مقابل ایران و عدم موفقیت در تصرف و الحاق استان نفت‌خیز خوزستان به کشور عراق؛ صدام را به هدفی راحت‌تر و در دسترس‌تر یعنی کویت سوق داد. به همین دلیل صدام حسین برای خروج عراق از تنگناهای ژئوپلیتیکی و حل کردن بحران اقتصادی، در سحرگاه دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی (۱۱ مردادماه ۱۳۶۹)، به کشور کویت حمله کرده و این کشور را در مدت چند ساعت به اشغال خود درآورد و با تصرف کویت در کوتاه‌مدت به این دو هدف خود رسید. عراق با تصرف کویت و جزایر مهم آن، درواقع از یک موقعیت استراتژیک ویژه در منطقه‌ی حساس خلیج فارس برخوردار می‌شد که در صورت تداوم آن، توازن قدرت منطقه‌ای به نحو بارزی به نفع عراق تغییر می‌یافت؛ چراکه عراق با این اقدام خود عملاً به بیش از ۱۵۰ کیلومتر ساحل استراتژیک کویت در رأس خلیج فارس دسترسی پیدا می‌کرد و لذا از وضعیت بسیار نامطلوب در بن‌بست قرار داشتن در آب‌های خلیج فارس و حداقل ساحل در دسترس خود خارج می‌شد. و از آنجا که کویت یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت در جهان است و از نظر ذخایر اثبات‌شده نفت مقام سوم را در میان کشورهای جهان دارد. بنابراین، دستیابی عراق به تمام کویت و یا بخش‌هایی از آن، درآمدهای عراق را به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌داد. عراق با استفاده از منابع غنی نفت و نیز دسترسی به ذخایر ارزی و سرمایه‌های کویت «در زمان تصرف کویت، جمع دارایی‌های خارجی کویت ۱۵۰ میلیارد دلار بود که ۱۰۰ میلیارد آن متعلق به بخش دولتی و ۵۰ میلیارد به بخش خصوصی تعلق داشت»، مشکلات اقتصادی‌اش را کاهش می‌داد و ضمناً اعتبارات لازم را برای بازسازی جنگی عراق فراهم می‌کرد.

منابع

- ۱- اسدی، بیژن (۱۳۷۵)، جنگ خلیج فارس و نظم نوین جهانی (روابط بین‌المللی خاورمیانه)، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۸، زمستان.
- ۲- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

- ۳- افتخاری، علی اکبر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد، چاپ اول.
- ۴- امین، محمدرضا (۱۳۸۲)، ایالات متحده‌ی آمریکا و بحران کویت (۱۹۹۱ - ۱۹۹۰)، میلادی (تکیه بر امنیت انرژی)، مجله معرفت، شماره ۶۶.
- ۵- پیری، هادی مراد و مجتبی شربتی (۱۳۹۲)، آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس (ویراست دوم)، چاپ دهم، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- پیری، هادی مراد (۱۳۷۲)، محاسبه توان رزم نوین، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۷- تافلر، هیدی و آلوین تافلر (۱۳۷۲)، جنگ و ضد جنگ، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، نشر سیمرغ.
- ۸- جاوری، مجید و رستم صابری فر، روش تحقیق در جغرافیا، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
- ۹- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷)، کانون‌های بحران در خلیج فارس، انتشارات سازمان کیهان، چاپ دوم.
- ۱۰- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، تهران، دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۱۱- حافظ نیا، محمدرضا و حسین، ربیعی (۱۳۹۲)، نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دهم.
- ۱۲- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ یازدهم، تهران.
- ۱۳- حسن زاده، رمضان (۱۳۹۱)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات ساولان، چاپ سیزدهم.
- ۱۴- حسنی، قاسم (۱۳۶۶)، اصول جنگ و توان رزمی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۱۵- حیدری، عبدالحمید (۱۳۸۴)، جنگ آینده، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، تهران.
- ۱۶- رستگار، ش (۱۳۷۰)، جنگ خلیج فارس، نمونه‌ای از امپریالیسم آمریکا، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، بهمن و اسفند، شماره ۵۳ و ۵۴.
- ۱۷- رستمی، علی اکبر (۱۳۸۵)، نفت‌های خون‌آلود (بررسی جنگ نفت، علل و کارکرد طرفین)، انتشارات سایه روشن، تهران.
- ۱۸- سالینجر، پیر و لوران، اریک (۱۳۷۰)، جنگ خلیج فارس در اسناد محرمانه، چاپ دوم، ترجمه دکتر هوشنگ لاهوتی، تهران، انتشارات پاژنگ.
- ۱۹- غفوری، علی (۱۳۸۶)، ۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ دوم.
- ۲۰- قاسمی، علی، بابایی، حسین (بی تا)، ویژگی‌های جنگ ناهمگون با تکیه بر صحنه‌ی نبرد آینده، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۶۵.
- ۲۱- گارودی، روژه (۱۹۹۱)، سخنرانی در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۹۱، در بیست و چهارمین نشست سالانه (GRECE)، در شهر پاریس.

- ۲۲- گاندر فرانک، آندره (۱۳۸۲)، جنگ جهانی سوم (اقتصاد سیاسی جنگ خلیج فارس و نظم نوین جهانی)، ترجمه محمدرضا امین، مجله معرفت، شماره ۶۶.
- ۲۳- گنجی مراد، سهراب (۱۳۹۲)، جنگ ایران و عراق و نقش آن در فروپاشی روند توسعه اقتصادی عراق، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، نگین ایران.
- ۲۴- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس کشورها و مرزها، انتشارات عطایی، پاپ اول، تهران.
- ۲۵- مرادپیری، هادی و مجتبی شربتی (۱۳۹۲)، آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، سازمان مطالعه و تدوین مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، ویراست دوم.
- ۲۶- مرکز مطالعات و پژوهش های کویت، - گروه تحقیق (۱۳۸۱)، کویت از پیدایش تا بحران، ترجمه و ویرایش واحد ترجمه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، تهران: مؤسسه قصیده سرا.
- ۲۷- معین وزیری، نصرت الله (بی تا)، تحلیل جنگ خلیج فارس از دیدگاه اصول جنگ، مجله صف، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۲۸- نخجوان، احمد (۱۳۱۷)، جنگ، چاپخانه فردین و برادر.
- ۲۹- نطق پور نوری، مهدی (۱۳۸۶)، صحنه جنگ، تهران، دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- ۳۰- نعمتی وروجنی، یعقوب (۱۳۹۰)، علل وقوع جنگ ایران و عراق، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، نگین ایران، سال دهم، شماره سی و هفتم، تابستان.
- ۳۱- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی، چاپ اول، انتشارات سنا، تهران.
- ۳۲- یعقوبی، نور محمد، آذر، عادل و مهرداد همراهی (۱۳۹۱)، روش تحقیق در مدیریت (با رویکردی به نگارش پایان نامه تحصیلی)، نشر مرندیز، چاپ دوم.
- ۳۳- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۸)، جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق در عصر صدام، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، نگین ایران، سال نهم، شماره سی و دوم، بهار.

۳۴- (Washington Post, 3 Aug 1990).

۳۵- Stanford Encyclopedia of Philosophy.